

بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم - 25 / اسفند / 1394

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی صبح سه‌شنبه (۱۳۹۴/۱۲/۲۵) در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم با تبیین جایگاه و نقش بی‌بدیل و تأثیرگذار حوزه علمیه قم در پیروزی انقلاب اسلامی به برخی تلاش‌ها برای انقلاب‌زدایی از حوزه‌های علمیه اشاره و تأکید کردند: حوزه علمیه قم باید همچنان یک «حوزه انقلابی و مهد انقلاب» باقی بماند و رسیدن به این هدف نیازمند اندیشه، تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق است.

بخش‌هایی از متن بیانات رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار به شرح زیر است:

دو دیدگاه درباره مسائل حوزه:

(۱) نگاه به مسائل عمومی حوزه

بحثی که بنده الان می‌خواهم مطرح کنم، بحثی درباره‌ی حوزه است. به‌طور طبیعی مسئله‌ی ما، مسئله‌ی حوزه علمیه است؛ حالا ما حوزه‌ی علمیه‌ی قم را مطرح می‌کنیم لکن این قابل تعمیم است، مناطی (۱) که در حکم درمورد مسائل قم وجود دارد، درمورد حوزه‌های بزرگ دیگر مثل مشهد، اصفهان و جاهای دیگر هم طبعاً وجود دارد. از دو دیدگاه میشود درباره‌ی مسائل قم صحبت کرد که من از یکی از این دو دیدگاه می‌خواهم صحبت کنم.

دیدگاه اول، نگاه به مسائل عمومی حوزه قم است؛ مسائل علم، تربیت علمی، تحقیق، اخلاق، مسائل مدیریتی، مسائل سازمانی در حوزه قم - که بحمدالله سالها است در قم سازمان هست، مدیریت هست، رئیس و رئیس هست؛ بالاخره مجموعه‌ای برای مدیریت حضور دارند - بحث کتابهای درسی، بحث چگونگی درس خواندن؛ یک بحث اینها است و یک نگاه، نگاه از این دیدگاه است که بنده حالا در این زمینه‌ها نمی‌خواهم صحبت کنم. مقدار زیادی در این زمینه‌ها قبلاً صحبت کرده‌ام در دیدارهای عمومی در قم و غیر قم؛ بعد از این هم ان شاءالله در مناسبت‌هایی، عریضی خواهم کرد که اینها از مسائل مهمی هم هست. فعلاً در این جلسه کنونی، نظر من به این دیدگاه نیست.

(۲) نگاه به وضعیّت رشد و بلوغ تفکر انقلابی در حوزه

دیدگاه دوم، وضعیّت انقلابی و رشد و بلوغ تفکر انقلابی در حوزه قم است؛ امروز این مورد نظر بنده است که می‌خواهیم مختصری در این زمینه صحبت کنیم. می‌خواهیم در مورد تداوم روحیه انقلابی و منش انقلابی در حوزه قم و دیگر حوزه‌ها یک مقداری فکر کنیم و کار کنیم؛ این بسیار حائز اهمیت است. اگر بخواهیم مقایسه کنیم با آن مقوله قبلی، این مقوله اگر از آن مهم‌تر نباشد، به همان اندازه وزانت و اهمیت دارد. ببینید ما یک انقلاب عظیمی را در تاریخ نزدیک به خودمان گذرانده‌ایم. حادثه‌ی انقلاب، یک حادثه‌ی عظیم و فوق‌العاده و محیرالعقولی بود. ما حالا عادت کرده‌ایم به این، [اما] کسانی که از بیرون نگاه میکنند به حادثه‌ی انقلاب و قضاوت میکنند درباره‌ی حادثه‌ی انقلاب، عظمت این حرکت را، این حادثه را، این پدیده را بیشتر از ما درک میکنند. ما چون در جریان بودیم، خیلی توجه نمی‌کنیم، خیلی درباره‌اش اهتمام نمی‌ورزیم برای ارزیابی و تقویم این حادثه.

اثرگذاری دو مجموعه «حوزه» و «دانشگاه» در مبارزات سیاسی کشور

در مبارزات سیاسی در کشور - هم این مبارزات سیاسی منتهی به انقلاب و هم سایر مبارزات - عموم مردم تا حدودی ورود داشتند لکن دو مجموعه، ورود واضح و اثرگذار و بی‌نی داشتند: یکی حوزه‌های علمیه و علمای شیعه - یکی هم دانشگاه‌ها؛ این دو جریان در ادامه‌ی مبارزات و تحرّک مبارزاتی در کشور، هم امروز حضور دارند، هم در

گذشته - در قضیه‌ی مشروطه، قضایای نهضت ملی، قضایای نزدیک به زمان ما در جاهای دیگر - حضور داشتند؛ لکن یک فرق اساسی‌ای بین حوزه و دانشگاه در این زمینه وجود دارد که این فرق باید مورد توجه قرار بگیرد.

دانشگاه، نقطه شروع مبارزات سیاسی کشورها

دانشگاه به‌طور طبیعی جایی است که مبارزات در آن معمولاً پا می‌گیرد، معمولاً به‌وجود می‌آید؛ در همه‌جای دنیا همین‌جور است؛ علتش هم معلوم است؛ چون در دانشگاه یک مجموعه‌ی جوان هستند، با مسائل روز آشنایند، طبعاً محیط روشنفکری است، محیط آگاهی از مسائل جهانی و با اوضاع حال حاضر و اوضاع جاری است؛ [لذا] معترض میشوند و اعتراض میکنند. همه‌جای دنیا مبارزات دانشگاهی وجود دارد و در کشور ما هم وجود داشت؛ مال این دوران مبارزات اسلامی هم نیست، قبل از آن هم وجود داشت؛ خود بنده یادم هست، سال ۴۰ که هنوز مبارزات ما شروع نشده بود، بنده در تهران بودم، دانشجویها در این خیابانها گروه‌گروه جمع میشدند، شعار میدادند، پلیس حمله میکرد، فرار میکردند؛ قبل از آن در دوره‌ی نهضت ملی هم بوده است و این مبارزات دانشجویی وجود داشته.

خصوصیت مبارزات دانشجویی؛ محدود ماندن در محیط دانشگاه به علت نداشتن امتداد اجتماعی
منتها مبارزات دانشجویی همیشه، هم در کشور ما، هم در جاهای دیگر، محدود مانده است در محیط دانشگاه، یا اندکی تأثیرگذاری بر روی برخی از مسائل عمومی کشور [داشته]؛ هیچ‌وقت مبارزات دانشجویی تبدیل به یک انقلاب و به یک حرکت عمومی و تحوّل عمومی نشده؛ این خصوصیتشان است. وقتی اظهارات عمومی را انسان می‌بیند، گفته میشود و می‌گویند که مثلاً حوزه و دانشگاه بنیان‌گذار این مبارزات بودند؛ خیلی خوب، حرفی نیست؛ بله، مبارزات دانشگاه، مبارزاتی است که در خود دانشگاه تحولاتی ایجاد میکند، حوادثی در شهرها به‌وجود می‌آورد منتها تفاوتش این است که اولاً همه‌ی دانشجویها در مبارزات معمولاً شرکت نمیکنند؛ یک گروهی هستند [که مبارزه میکنند]؛ آن گروه هم فعالیت‌هایی میکنند، کارهایی انجام میدهند منتها هرگز ما نه در دوره‌ی خودمان، نه در کشور خودمان، نه در کشورهای دیگر ندیده‌ایم که مبارزات دانشجویی در یک جایی منتهی بشود به تغییر نظام و تغییر رژیم و تحوّل عمومی و انقلاب و از این حرفها؛ حدود دانشجویی این است؛ علتش هم این است که دانشجو نفوذ و امتداد اجتماعی ندارد؛ حداکثر تأثیری که دانشجو دارد، این است که در خانواده‌ی خودش یک فکری را ایجاد بکند یا یک چیزی را مثلاً فرض کنید ترویج کند در داخل خانواده یا یک محیطهای محدود. در کشور ما هم همین‌جور بود؛ بله، ما قدردان مبارزات دانشجویان هستیم، همراهی آنها با انقلاب را خیلی قدر می‌شناسیم، اهمیت میدهیم لکن در ارزیابی و در تقویم تأثیر این مبارزات، این چیزی که عرض کردم این درست است؛ یعنی این مبارزات اگر منها میشد از مبارزات روحانیت و مبارزات روحانیت نمیبود، مثل همه‌ی مبارزات دانشجویی دیگر، در همان محیط دانشگاه - یا دانشگاه تهران، یا چند دانشگاه در سراسر کشور - محدود میشد و یک حمله‌ای میکردند، یک حرکتی میکردند، یک مبارزه‌ای میشد، یک معارضه‌ای میشد و تمام میشد؛ [اما] حوزه این‌جور نبود.

دو خصوصیت مبارزات حوزه:

(۱) همه‌گیر بودن مبارزه در حوزه
مبارزات حوزه اولاً تقریباً همه‌گیر بود؛ یعنی در حوزه‌ی علمیه - نمیخواهیم بگوییم تحقیقاً این‌جور بود - تقریباً همه‌ی طلاب یا اغلب طلاب درگیر مبارزه شدند. وقتی در مبارزات روحانیت، حوزه‌ی قم وارد شد، تقریباً همه درگیر شدند؛ این یک خصوصیت.

(۲) اثرگذاری حوزه در جامعه با استفاده از دو عامل:

الف) عامل «مرجعیت»

خصوصیت دوم، اثرگذاری حوزهی قم بود. حوزهی قم مرکب است از یک مجموعه‌ای که این مجموعه در جامعه میتواند اثر بگذارد. یک جزء این مجموعه، مرجعیت است؛ مرجع تقلید مثل امام بزرگوار یا آن اوایل مبارزه که هر دو سه نفر از مراجع اعلامیه میدادند؛ بعد البته امام به‌تنهایی تقریباً بار همه را بر دوش میکشیدند. این مرجع تقلید بود که به‌عنوان دین، به‌عنوان حکم شرعی، به‌عنوان وظیفه‌ی دینی حرف او امتداد پیدا میکرد در بین مردم؛ این بخش مرجعیتی.

ب) عامل «طلاب»

لکن در کنار این، بخش طلابی وجود داشت؛ اگر طلاب نبودند این حرکت این‌طور گسترش پیدا نمیکرد. طلبه‌ها از جاهای مختلف، از شهرهای مختلف و نقاط مختلف کشور جمع میشوند، بعد در ایام تعطیلات یا غیر تعطیلات متفرق میشوند و میروند در جلسات منبر، جلسات سخنرانی، جلسات هفتگی، جلسات دینی، این فکر را منتشر میکنند در سطح مردم؛ این خیلی مهم است. یک طلبه وقتی که فرض کنید رفت در یک روستایی یا در یک شهر کوچکی یا بزرگی و آن فکر را بنا گذاشت که تبلیغ بکند و تبیین بکند و منعکس و منتقل بکند به مخاطبین، فرقی با یک دانشجو از زمین تا آسمان است؛ دانشجو نمیتواند این کار را بکند اما طلبه میتواند. آن عاملی که توانست پیام مراجع را در دوره‌ی اول - آن چند ماه اول - و بعد پیام امام بزرگوار را که تنها این کار را انجام میدادند و این رهبری را انجام میدادند - چه در دوره‌ی قم، چه در دوره‌ی نجف - منتشر کند در اقصی نقاط کشور و در دل‌های مردم نفوذ بدهد عامل طلبگی بود؛ طلبه‌ها بودند که این کار را کردند، طلبه‌ها بودند که این فکر را منتقل کردند به سرتاسر کشور.

یک وقتی در سال اول انقلاب - چند ماه بعد از پیروزی انقلاب - که سالگرد مرحوم آقا مصطفی، فرزند بزرگوار امام عزیزمان بود و در قم مجلس تحریم گرفته بودند، از من خواستند که من بروم آنجا صحبت کنم؛ رفتم آنجا، امام هم داخل مسجد اعظم حضور داشتند. بنده یک صحبتی آنجا کردم و این آیه‌ی شریفه را مطرح کردم: وَ اَوْحَى رَبُّكَ اِلَى النَّحْلِ اَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كَلَىٰ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ (۲) خطاب به امام گفتم این زنبورهای عسل، همان طلبه‌ها بودند که نشستند این شهد را - حرف شما را - مکیدند، بعد منتشر شدند در اطراف کشور و در جاهای مختلف و این شهد را به کام مردم ریختند؛ آنجایی هم که لازم بود نیش زدند؛ نیش هم زدند! طلبه‌ها این کار را کردند، حوزه‌ی قم این کار را کرد. اگر حوزه‌ی قم نبود، اگر امام بزرگوار مثلاً در جایی مثل تهران یا یک جایی که حوزه‌ی علمیه‌ای وجود نداشت این حرکت را شروع میکرد، معلوم نبود به این موفقیت برسد؛ این حرکت در قم بود که توانست به این موفقیت برسد و تبدیل بشود به یک انقلاب.

امام (رضوان الله علیه) در یک صحبتی گفته بودند که -نمیدانم من خودم شنفتم یا از دیگری شنفتم که گفتند- وقتی در پاریس بودیم آمدند گفتند که در فلان ده، یکی از دهات خمین، یکی از روستاهای اطراف خمین، مردم راهپیمایی کردند. راهپیمایی عمومی بوده و در آن ده هم مردم راهپیمایی کردند؛ مثلاً ده، یک پیرمردی جلوی جمعیت حرکت میکرده و مردم شعار میدادند، همان شعارهایی که در تهران میدادند؛ امام فرموده بودند که وقتی من این را شنیدم، گفتم این انقلاب پیروز خواهد شد. (۳) این انقلابی که این جور نفوذ دارد که تا فلان ده که آن را امام می‌شناختند و تا فلان جا می‌روند و مردم آنجا هم حرکت میکنند، پیروزشدن است؛ یعنی همه‌ی ملت، همه‌ی احاد مردم آمدند به میدان و این بود که رژیم پرسیاگر به قدرتهای درجه‌ی یک عالم را توانست شکست بدهد و به زانو دریاورد و از میدان خارج کند. ما که اینجا توپ و تفنگی مصرف نکردیم؛ انقلاب ایران با توپ و تفنگ و کودتا و نیروی نظامی که پیش نرفت، فقط با حضور مردم پیش رفت؛ حضور بدنهای مردم، جسمهای مردم. دل‌ها خوبند، دل‌ها مؤثرند اما دل‌ها وقتی در خانه‌ها بتپند و بیرون نیایند، هیچ اثری نمیگذارند؛ وقتی این دل تأثیرش آن‌چنان شد که جسم را حرکت داد و آورد به خیابان، آن وقت میشود آن راهپیمایی‌ها، میشود آن حرکت عظیم؛ و

رژیم پادشاهی، با آن سابقه، با آن حمایتی که آمریکا از او میکرد و دیگران میکردند - فقط آمریکا هم نبود؛ آن وقت کشورهای کمونیستی هم از روی رقابت حمایت میکردند از رژیم شاه - به وسیله مردم شکست خورد.

مردم را چه کسی آورد به خیابان؟ شماها آوردید، طلبه‌ها آوردند. بله، امام رهبر بود، اگر امام نبود بدون شک این اتفاق اصلاً نمی‌افتاد؛ اما ابزار امام چه بود؟ آن وسیله‌ای که فکر امام را، خواسته‌ی امام را، آن نیت امام را تحقق بخشید، عملیاتی کرد، اجرایی کرد، حوزه‌ی علمیّه بود، طلاب بودند؛ ارتباط انقلاب با حوزه‌ی قم این است. بله، درست است، ما می‌گوییم همه‌ی اقشار مردم در انقلاب شرکت داشته‌اند، واقع قضیه هم همین است، یا در مورد آن گروه‌های پیشرو مثلاً می‌گوییم «دانشجوها، طلبه‌ها» و اسم دانشجویها را می‌آوریم، درست است، اینها هم واقعاً پیشرو بوده‌اند، در این شکی نیست اما پیشرو بودن و ورود، یک حلقه‌ی وصلی لازم داشت، یک حلقه‌ی واسطی لازم داشت؛ این حلقه‌ی واسط حوزه‌ی علمیّه‌ی قم بود و البته حوزه‌های علمیّه‌ی دیگر؛ فقط حوزه‌ی قم نبود. شما توجه داشته باشید که این انقلاب عظیم، این پدیده‌ی حیرت‌انگیز، این حادثه‌ای که دنیا را تکان داد - [واقعاً] دنیا را تکان داد - منتهی میشود به این حلقه‌ی واسط، یعنی به حوزه‌ی قم. نسبت حوزه‌ی قم با انقلاب این است.

انقلابی ماندن حوزه‌های علمیّه، عامل انقلابی ماندن نظام
خب، حالا حوزه‌ی قم را بخواهند از انقلاب تهی کنند، [این] چیز کوچکی است؟ انگیزه‌هایی وجود دارد برای این کار، حرف من این است. بنده عرض میکنم اگر بخواهیم نظام اسلامی - همین نظامی که الان تشکیلاتی دارد، قوای سه‌گانه‌ای دارد، نیروهای مسلحی دارد، دستگاه‌ها و سازمانهای گوناگونی دارد - انقلابی بماند، اسلامی بماند، حوزه‌ی قم باید انقلابی بماند؛ اگر حوزه‌ی قم انقلابی نماند، حوزه‌های علمیّه اگر انقلابی نماندند، نظام در خطر انحراف از انقلاب قرار خواهد گرفت. من این را به شما عرض کنم: حوزه‌ی قم پشتوانه است. حرف من این است که می‌گوییم حوزه‌ی علمیّه‌ی قم بایستی به‌عنوان یک حوزه‌ی انقلابی، به‌عنوان مهد انقلاب، به‌عنوان آن کوره‌ی آتشفشانی که همین‌طور دارد انرژی انقلابی را صادر میکند از خودش، حضور داشته باشد و ظهور داشته باشد.

لزوم توسعه بینش و حرکت انقلابی در حوزه قم برای جلوگیری از انقلاب‌زدایی
خب، عرض کردیم که طبیعت قم، طبیعت طلاب، حوزه‌ی علمیّه، طبیعت دین است، طبیعت تبلیغ است، طبیعت قناعت است، طبیعت حضور مرجعیت است که مرجعیت خیلی مهم است؛ اینها همه از خصوصیات حوزه است و همین موجب میشود که پایه‌ی انقلاب در اینجا محکم بشود. اگرچنانچه ما دیدیم تلاشهایی دارد انجام میگیرد برای اینکه از حوزه‌ی علمیّه‌ی قم انقلاب‌زدایی کنند، باید احساس خطر کنیم. عرض من با شما نمایندگان عزیز طلاب و فضلا این است: اگر دیدید انقلاب‌زدایی دارد انجام میگیرد باید احساس خطر کنید. خب، احساس خطر کردن کافی نیست، باید به فکر علاج بود؛ علاج هم تدبیر لازم دارد، فکر لازم دارد؛ این اهمیت اجتماع شما را نشان میدهد. باید افراد صاحب فکر بنشینند فکر کنند؛ با کارهای سطحی، با فریاد کشیدن که احیاناً در یک جلسه‌ای آدم داد بکشد و به یکی اعتراض کند، با این حرف‌ها مسئله درست نمیشود. راه، اینها نیست؛ راه، فکر کردن و اندیشیدن و حکمت‌آمیز برنامه‌ریزی کردن، مجموعه‌های برنامه‌ریزی شده را تهیه کردن و دنبال کردن است؛ بنابراین بینش انقلابی در قم بایستی توسعه پیدا کند، حرکت انقلابی باید توسعه پیدا کند.

مخالفت صریح و مخالفت غیر صریح دشمنان با انقلاب

خب، مخالفت با انقلاب هم دوجور است: یک وقت صریحاً کسانی با انقلاب مخالفت میکنند - که این هم در حوزه وجود دارد، نه اینکه وجود نداشته باشد، ما بی‌اطلاع نیستیم؛ حالا کسانی هستند صریحاً گوشه‌کنار [مخالفت میکنند]؛ البته کم هستند - یک وقت هست که نه، صریحاً با انقلاب مخالفت نمیشود، [بلکه] با مبانی و مبادی اعتقادی انقلاب مخالفت میشود؛ روی اینها باید حساس بود. اینکه ملاحظه میکنید بنده مرتب روی مسئله‌ی

استکبار تکیه میکنم، روی مسئله‌ی آمریکا تکیه میکنم، [به خاطر] این نیست که از روی عادت، آدم دائم بخواهد یک حرفی را تکرار کند؛ نه، اینها احساس خطر است. اگر نظام اسلامی در قبال نظم منوط جهانی هویت خودش را از دست داد، شکست خواهد خورد؛ اهمیت نظام اسلامی - که میگوییم دنیا را تکان داد این انقلاب - به خاطر این است؛ یک چیز جدید آورد.

علت مخالفت دستگاه استکبار، مقابله نظام اسلامی با زور و تزویر
خب، این چیز جدید، نظام ظالمانه و غیر عادلانه و مبتنی بر ظلم و زور و تزویر و مانند اینها را به چالش کشید؛ جمهوری اسلامی، نظام جهانی ظالمانه را به چالش کشید؛ علت مخالفت با ما هم همین است. [علت] اینکه با نظام اسلامی مخالفت میشود این است؛ و الا اگر چنانچه اسلام غیر سیاسی، اسلامی که کاری به کار این و آن ندارد، اگر یک چنین اسلامی حاکم باشد، نه، هیچ اهمیتی هم نمیدهند و مخالفتی هم نمیکنند. شما با آمریکا، با دستگاه استکبار، با صهیونیسم همراه باشید - در کار اقتصادی شان، در کارهای سیاسی شان، در جهت گیری هایشان - و مثل آنها فکر کنید، مثل آنها حرف بزنید، مثل آنها مشی کنید، هیچ مخالفتی ندارند؛ اسمتان مسیحی باشد، اسمتان بودایی باشد، اسمتان مسلمان باشد برایشان هیچ اهمیتی ندارد. (۴) (بله مرگ که حتماً بر آمریکا، اما حالا اجازه بدهید صحبت بکنیم.) پس بنابراین، مسئله این است.

شما نگاه کنید به بیانات امام؛ امام، خیلی مرد عمیقی بود، خیلی مرد پرمغزی بود؛ همین که معروف است: آنچه در آینه جوان ببیند
پیر در خشت خام آن ببیند (۵)

در مورد امام واقعاً صادق بود. آن تحلیلی را که حالا باید جلوی انسان بیاورند، تماشا کند، بخواند، دقت کند، تا به یک نتیجه‌ی عمقی برسد، این را امام همین طور نگاه که میکرد میفهمید؛ مرد پخته، مرد آگاه. شما نگاه کنید ببینید روی چه چیزهایی این مرد حکیم پخته‌ی آگاه تکیه کرده، آنها اساس مسئله است، مسائل اساسی آنها است. اینها را نبایستی بتوانند تغییر بدهند؛ یک شکل مخالفت با نظام و مخالفت با انقلاب مخالفت با این چیزها است. اگر چنانچه در کارهای ما، در حرفهای ما، در جهت گیری ها و رویکردهای تبلیغی ما مخالفت با آن مبانی وجود داشته باشد ضدیت با انقلاب و ضدیت با نظام اسلامی و ضدیت با اسلام سیاسی ای است که تحقق پیدا کرده.

نظام اسلامی، اولین حکومت مبتنی بر دین بعد از دوران صدر اسلام
بعد از دوران صدر اسلام، اولین باری است که اسلام صحیح ناب متکی به قرآن و حدیث در عالم واقع، دارد تحقق پیدا میکند؛ حتی در دورانهایی که مثلاً علما، محترم هم بودند، این جور نبوده. فرض کنیم در دوران صفویه؛ خب علما، محترم بودند؛ محقق کرکی از شام پا میشود می‌آید در اصفهان یا در قزوین یا در کجا و شیخ الاسلام کل کشور هم میشود؛ پدر شیخ بهایی، خود شیخ بهایی، اینها همه کسانی هستند که جزو علمای بزرگ بودند، خیلی هم محترم بودند، اما اینها حداکثر کاری که میکردند این بود که مثلاً فرض کنید که دستگاه قضاوت را برعهده بگیرند، آن هم تا جایی که منافات با برخی از تندرهای دستگاه حکومت و سلطنت نداشته باشد؛ و الا شاه عباس و شاه طهماسب و بقیه‌ی سلاطین، کار خودشان را میکردند، حکومت اسلامی نبود، حکومت دینی نبود. اینکه منشأ و مبدأ احکام حکومتی کتاب و سنت باشد، روایات ائمه باشد، از صدر اسلام - یعنی حالا آن مقداری که صدر اسلام بوده، بعد از آن - تا امروز دیگر سابقه نداشته است. امروز در ایران اولین بار است که یک چنین حکومتی به وجود می‌آید. معنای اسلام سیاسی این است؛ اسلام سیاسی یعنی اسلامی که سیاست اداره‌ی جامعه را و مدیریت جامعه را برعهده میگیرد؛ یعنی اسلام میشود مدیر جامعه. این بار اولی است که در اینجا اتفاق افتاده است؛ این را می‌خواهند از بین ببرند، این را می‌خواهند نابود کنند؛ نابود کردنش هم به همین شکلی است که عرض کردم. بنابراین مسئله‌ی انقلابیگری در حوزه‌ی قم در معرض خطر است؛ این را باید توجه کنید؛ باید جزو مسائل اصلی شما باشد.

... من آینده را در همه‌ی زمینه‌ها روشن می‌بینم ؛ بعضی‌ها گاهی اوقات یک‌چیزی یا پدیده‌ای را می‌بینند که مثلاً برایشان پدیده‌ی نامطلوبی است، فوراً دل‌هایشان مأیوس می‌شود ؛ بنده اصلاً این‌جوری نیستم. هر پدیده‌ای، ممکن است پدیده‌های نامطلوبی هم یک گوشه‌کناری به وجود بیاید ؛ هست، همه‌جا هست، زمانهای گذشته هم بوده ؛ زمان خود پیغمبر و امیرالمؤمنین (علیهما السلام) هم بوده، در اینکه تردیدی نیست ؛ لکن جهت کلی، حرکت کلی، ان‌شاءالله حرکت خوبی است و من امیدوارم که خدای متعال کمک کند تا هم شما و هم ما بتوانیم ان‌شاءالله به وظایفمان عمل کنیم.

(۱) ملاک، معیار

(۲) سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۶۸ و بخشی از آیه‌ی ۶۹ ؛ «و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [الهام‌گریزی] کرد که از پاره‌ای کوه‌ها و از برخی درختان و از آنچه داریست و [و چفته‌سازی] میکنند، خانه‌هایی برای خود درست کن، سپس از همه‌ی میوه‌ها بخور، و راه‌های پروردگارت را فرمانبردارانه پیروی...»

(۳) صحیفه‌ی امام، ج ۹، ص ۴۰۸

(۴) شعار «مرگ بر آمریکا» حضّار

(۵) عوفی. جوامع الحکایات (با اندکی تفاوت)